



شناخت و صفات

انبیاء خدا

از دیدگاه علمائین علیهم السلام

محمد ظریف

تهران، ۱۳۹۳

سرشناسه : ظریف ، محمد ۱۳۳۵
 عنوان و نام پدید آورنده : شناخت و صفات اولیاء خدا / محمد ظریف
 مشخصات نشر : تهران : راه نیکان ، ۱۳۹۳ .
 مشخصات ظاهری : ۲۴۵ ص
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۹۷-۰۷-۰
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 موضوع : اولیاء
 نوع : اخلاق اسلامی
 رده ی کنگره : ۱۳۹۲ ش ۹ / ۴ / ۲۲۳ BP
 رده ی دیسی : ۲۹۷ / ۴۵
 شماره شناسی ملی : ۳۳۴۹۳۱۴



نشر راه نیکان

بخش معارف اهل بیت

شناخت و صفات اولیاء خدا

تالیف : محمد ظریف

چاپ اول : ۱۳۹۳ شمارگان : ۲۰۰۰ نسخه

ISBN: 978-600-7297-07-0

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۹۷-۰۷-۰

قیمت : ۱۵۰۰۰ تومان

شماره ثبت مجوز : ۱۲۴۶۸۶۱

سخن ناشر

اولیاء و جنات دیگر اصناف و طوائف بشر نیستند، بلکه به لحاظ نژادی و صنفی، در عالمی ممتازند که در شکل و هیأت ظاهری با سایر افراد بشر مشابعت ندارند، و در حدیث آمده است: «إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ»^۱ بدون اضافه «یوحی الی» زبان حال همه و همه آنست که بالفطره طالب پروردگار خویشند؛ از خدا می‌گویند و به حضرت ابراهیم پیوند.

اینان در تمامی دوره‌ها و زمان‌ها به صورتی و کینوتی خاص در جمع ابناء بشر بوده و هستند و خواهند بود که در ربوبان سنت و سیره علمی عملی عترت علیهم‌السلام با آخرین کتاب آسمانی مانوبند، انسان خلوت گزیدگانی می‌باشند که فارغ از تماشایند. با تمام مشابهی که به حضرت حق و مردان آسمانی دارند؛ هرگز از ذات حق و جنس عرشیان خاکشانند که پیامبر اکرم و ائمه دینند نیستند؛ لکن برائر مطیع محض فرآورد معصومان بودن متخلق به قرآن و فانی در وجود معصوم بوده، در تجلی،

نور از قرآن که خدای تعالی با تجلی به آن بر خلق تجلی^۱ نموده دارند. جنس ما چون نیست، جنس شاه ما ما می باشد، بهر مای او فنا همانطور که مقام نبوت و رسالت، درجات و مراتب گوناگون دارد تا به بالاترین پایه خاتمیت می رسید، اولیای غیر معصوم به لحاظ میزان تقرب به معصوم علیه السلام دارای مراتبی هستند که والاترین آن خالص الولایه بودن است. و به همین خصوصیت همانطور که عالم با جاهل، عاقل با نادان یکی نیستند، اولیاء غیر معصوم با دیگر ابناء بشر، هم شکل و هم هیأت، لکن با همان تجانس ذاتی ندارند؛ گفته اند نسبت اولیاء به حق و عزت علیه السلام بسیار خلاق مانند نسبت انگور به غوره است، و این بهترین شاهد ما در حدیث نبوی «اهلیاء» حقیقی و صوفیانی است که به این عنوان مقدس شهرت یافته اند.

راقم رساله حاضر که به حقه علیه السلام و رحمت ولی الهی - عجل الله فرجه الشریف - از خطا و لغزش حیانت فاشه و در مشهد حقیقت شرف اصابت یافته، در روزگاری که هوسرنتان صوفی مسلک را ولی می خوانند تحقیقی فشرده را در شناخت صاحب «اولیاء واقعی» تالیف و تدوین نموده، در طلیعه حلول سال ۱۳۹۲ به نشانه بیان تحفه دادند که انشاء الله دریافتی لایق از اولیاء و نظری صائب پیرامون این نام باشد و در خدمت صاحب دلانِ اصل و کیمیا نظران کامل از عزت قبلی بی صبر.

۱- امام صادق فرموده اند: «لقد تجلی الله لخلقه فی کلامه و لکنهم لا یبصرون» یعنی محققاً خدا در کلام خود برای خلقش تجلی کرده است ولی مردم نمی بینند. (بحار الانوار: ۱۰۷/۸۹)

نماند!

ما را به دولت ایشان امید بسیار است

که مایه داران رحمت کنند بر پاله

در تمیز دادن اولیاء حقیقی و آنهایی که به لطائف الحیل کله کج نهاده و تشنه نشسته، «ولی» خوانده شده اند، با خرقه سازی و فرقه بازی بر عوام ناز می کنند و نیاز می گیرند، باید سخن را از آنجا آغاز کرد، اولیاء بدلی صوحنی ملک کر شمه، رخنه در دین عوام می کنند، اولیاء حقیقی از اقبال خلی گیزان اولیاء بدلی ناز می کشند، رنج عذاب مخالفت متشرعان را به آنان می خورند، ننگ بدعت نهادن در دین بر خود هموار می کنند تا از سروری کردن بر سر خوردگان لذت ببرند. ولی اولیاء حقیقی چون عامه خلق، رنگ می ندارند جز به آنان که حضرت دوست بر سر راه ایشان قرار می دهد سخن نمی گویند.

پس آنچه در بحث شناخت اولیاء پیش از هر مهمی، مهم تر می باشد توجه به بدلی سازی این مقام است، همانهایی که را با «کو ندارد آب کوثر در گلو» تعریف کرده اند و هشدار داده اند «هر که بدلی ز کوثر خشک لب» دام و دانه ی شیطان بدان.

آری، خشک لبی از کوثر احمدی بهترین نشان بین اولیاء حقیقی و بدلی آن است؛ زیرا از خود رستگان به حق پیوسته، هشدار داده اند اولیاء الهی به برکت محاذات با شمس ولایت کبرا از خود عبور کرده، می توانند مزاج روحانی اشخاص را تبدیل، و نفوس را از شرور و خبائث و رذایل اخلاقی به کلی پاک و بی عیب و نقص کنند، طالب دیدار و شائق

اعتکاف گزیدن در درگاه را از همه بیماری‌ها و دردهای درونی نجات دهند، به مرحله ولادت ثانی و حیات جدید که قیامت صغری و بعث بعد از موت ارادی است برسانند. جان این کاملان کاملاً انسان که عرش آنان فرش وجود انسان کامل است، متصل و پیوسته به دریای فیض بی پایان الهی شده است.

درون اولیاء واقعی مستفیض از فیوضات فیض الهی است؛ به این
 «گستان فیض نامحدود و گلزار رحمت بی منتهای الهی شده‌اند.
 تاجه آن بو، جاذب جانت شود تاکه آن بو، نور چشمانت شود
 چشم نه سینات را بینا کند سینهات را سینه سینا کند
 اولیاء ارادی سر معرفت، وقت عمر را در صراط اقدس حق صرف
 کرده‌اند، همانند تلمیذی که به دریای محیط افتد در طی طریق عبودیت
 بی سر و پا شده‌اند از خواسته‌های شخصی گردیده، درخواست و اراده حضرت
 حق فانی شده، حقیقت «قولی لا اله الا الله تفلحوا» درایشان بظهور نشسته
 است.

هزار نکته باریکتر از مو در این مقام گنجه‌ها به اهم و اشرف آن این
 است؛ که فرموده‌اند چون قدرت خدای تعالی بر او وارد و لطف غایت،
 لاجرم راهرو طریق عبودیت همیشه احوالش در ترویج و تکمیل کارش در
 پیشرفت؛ زیرا به هر مرتبتی که واصل آید، خدای کریم به تدریج و تدریج
 ذوق مرتبه‌ی فوق آن مقام را در او فراهم آورد و توفیق وصول، عنایت
 فرماید. به عنایت بی علت محبوب حقیقی از «حسنات الابرار سیئات
 المقربین» طهارت نموده، در لذت صفای حضور محو شود؛ راه کدورت

غیب گردد به فیض حضرت فیاض از شرور فتنه خیز خواسته های خود عبور کرده، سلطان مشاهده جمال محبوب برجان شیدای او چیره گشته، در آن زیبایی جمال، رعنائی جلال در کار آمده، جمال با کمالتش جلوه ناز گرفته و حضرت حق با عزتش رایت بی نیازی برافراشته، توسن هیبت برجان حیران قتل خویش تاخته، جان در بی نشانی، نشان یافته،

گر کسی وصف او ز من پرسد بی دل از بی نشان چه گوید باز

ایران که سنگان معشوقند بر نیاید ز کشتگان آواز

و این بیان از تفاوت وادی معرفت و بازار مکاره تصوف فرقه ای است. راهرو طریق عرفان مقام بی نشانی که ترک قیل و قال نفس اماره است می رسد، و گرفتار راه نسیم تصوف تشکیلاتی که بت پرستی است نمی شود، زیرا عملکرد مریدان براد ثابت می کند مرشد صنم است و مرید صنم پرست.

درست برخلاف راهرو طریق عبرتیت که پس از طی مسافت عبور از خود^۱، به آستان نزدیک شده رانحه ی جانبی در لب به مشام جانش می وزد، هرگام که در عالم معنی برمی دارد از خود دور شده، دل در برش بیقرار بماند، جان هجران کشیده اش قرار آرامش نماید تا به حضرت دوست نائل آید. صولت از میانه برخیزد، هیبت رسالت بر او بگریزد، نسیم انس وزیدن گیرد، روح قرب برجان او مستولی شود، جان وصال بر روح راهرو واصل دست یابد؛ هر دم که برانش بیفزاید، قرب

۱- جای دارد اثری که به این نام توسط نشر راه نیکان منتشر شده است را بخوانید.

صفائی بیشتر و جلوه‌ای افزون‌تر یابد. از ماسوی‌الله گذشته، چون دل از هر تعلقی خالص داشته، به دوستی حضرت دوست رسیده، وجد کامل برحالش غالب شده، بر وجود موهومش خط بطلان کشیده، او را از دست تصرف هر دو عالم رهائی بخشیده، به دوستی سلطان الهی سرافراز گردیده، جانش در این مقام یکسره میدان آن حضرت و سرای آن دولت شده، از قید آب و خاک نجات یافته، اندک اندک گام در ایوان وجود نهاده، خدای را به سزاواری سجده کرده، از آنچه رفته پوزش می‌طلبد.

مرا چون قبله تو باشی نماز بگزارم

وگرنه من ز نماز و ز قبله بیزارم

بدین معنی از عبادت به طریق شرع احمدی که به ولایت علوی پذیرفته شود، ارکعۀ شکر گل که حکم‌الله است برکعبه جان و دل که وجه‌الله است رسد؛ ولایت به معنا دوستی محمد و آل، نه ادعای صوفیانه‌اش که ادعای حکایتی همچون ولایت معصوم علیه السلام دارند در او ظاهر آید. صفات بشری به قدس دوست احمدی محمد و آل که دوستداری حق است پڑمردگی گیرد. آفتاب وجود حق در میان او از گریبان ازل طالع شود، دولتی از میان برخیزد، که جمله رسوم و رسم‌ناگیرند و هر چه جز محمد و آل طاهرین علیهم السلام است منزل عدم گزینند. بی

اجزای وجودم همگی دوست گرفت

نامی است ز من بر من و باقی همه اوست

شود. حقیقت ولایت در او به ظهور نشیند، به مقام دوستی حق رسیده، در زمره اولیاء غیر معصوم که از تیرگی خودی و خودبینی خالص شده‌اند

خوانده شود.

این سرنوشت با آنچه مایه گرفتاری راه و رسم مسلک صوفیه است تفاوت‌ها دارد؛ او در پی تبلیغ شیخ صوفی است که کیمیا دارد تا تبدیل کند، دست بردست مدعی‌ای از مدعیان فرقه دار می‌گذارد، طریق بندگی رئیس درویشان را تعلیم می‌بیند، اراده‌اش درخواست آن رئیس صوفی که رکن خواسته‌های تنش می‌باشد خلاصه می‌شود؛ تعلیم می‌بیند که جز او نبیند و از آن نخواهد. دیر یا زود که فهمید نقد عمر را صرف جاه و جلال شیخ زود می‌موده است، درد خسران زدگی دامن جاننش را می‌گیرد، به واقعیت می‌گیرد، امید خواجگیم بود بندگی تو خردم هوای سلطنت بود خدمت تو گزیدم که نتیجه‌ای جز «دردم نهفت من بسیار مدعی» نخواهد داشت. پی می‌برد. که اهل درد فرموده‌اند:

«گر سنگ از این حدیث بالد عیب مدار»

اما فرصتی کو که دردش را دوا کند؟! که من نتیجه غفلت از کاملان بی‌خرقه و فرقه است و بی‌توجهی به پند
به گیتی مزن جز به نیکی نفس قدم زن تو در راه نیکان
می‌باشد.

مدیر

نشر راه نیکان

۱۱/فروردین/۱۳۹۲

فهرست

مقدمه	۱۷
بخش اول. اولیاء خدا چه کسانی هستند؟	۲۵
۱- ائمه طاهرين عليهم السلام	۲۷
۲- شيعيان اميرالمؤمنين عليه السلام	۳۲
۳- اصحاب حضرت مهدی عليه السلام	۴۲
بخش دوم. صفات اولیاء خدا	۵۱
۱- اطمینان و اعتماد به خدا	۵۳
۲- یاد خداوند	۶۱
۳- شکر	۸۱
آثار و فوائد شکر	۸۱
زیاد شدن نعمت	۸۱
تداوم نعمت	۸۲

۸۳	حفظ و حراست نعمت
۸۴	بقاء نعمت
۸۴	کفران نعمت و آثار سوء آن
۸۷	مراحل شکر نعمت
۸۷	شکر قلبی
۸۹	شکر زبانی
۹۰	شکر حمد الهی
۹۱	شکر عمل
۹۷	ناتوانی از انجام شکر
۱۰۰	نعمت های مادی و معنوی
۱۰۳	نعمت وجود اهل بیت علیهم السلام
۱۱۰	شکر واسطه نعمت
۱۱۵	امام عصر بزرگترین واسطه نعمت های الهی
۱۱۵	وظیفه ما در برابر الطاف بی نهایت الهی
۱۱۸	۴- صبر و شکیبائی
۱۱۹	اهمیت و جایگاه صبر
۱۲۴	موارد صبر
۱۲۵	صبر در هنگام بلا و مصیبت
۱۲۶	ضرر های بی صبری در مصیبت
۱۲۸	اجر و پاداش صابران
۱۲۹	حکمت مصیبت ها و ابتلائات

صبر در اطاعت پروردگار	۱۳۴
صبر و پایداری در برابر گناه و نافرمانی	۱۴۳
آثار سوء گناهان	۱۴۴
۵- زهد	۱۵۴
معنای زهد	۱۵۶
زاهد کیست	۱۵۸
موجبات زهد	۱۵۹
نزهد	۱۶۰
شناخت صحیح زهد	۱۶۰
دنیا در نظر اولیاء خدا	۱۶۱
۶- نزدیک دیدن اجل	۱۸۹
۷- نهرا سیدن از مرگ	۱۹۹
۸- اخلاص در عبادت	۲۰۲
نشانه اهل اخلاص	۲۰۵
اصل و اساس و منشأ اخلاص	۲۰۶
اولیاء خدا به ظاهر دنیا نمی‌نگرند	۲۱۰
۹- ورع	۲۱۱
معنای ورع	۲۱۳
۱۰- اندیشه و تفکر در سکوت	۲۱۸
فضیلت خاموشی و سکوت	۲۱۸
فضیلت فکر و اندیشه	۲۲۳

- ۱۱- عبرت پذیری ۲۲۸
- سخن گفتن حکیمانه ۲۳۳
- از بیهوده گویی اجتناب نمودند ۲۳۵
- از ندانسته گویی اجتناب کردند ۲۳۶
- بدون فکر و تأمل سخن نمی گویند ۲۳۷
- ۱۲- انتظار ظهور ۲۳۹
- امان از بی تفاوت بودن نسبت به مسأله ظهور است ۲۴۱